



درآمد

در پی انتشار خبر حمله ددمنشانه هلی کوپترهای رژیم صهیونیستی به کاروان سیدعباس موسوی، دبیر کل حزب الله در جنوب لبنان، آقای سیدحسن نصرالله در اولین واکنش به این جنایت سخنان تندی بر ضد دشمن صهیونیستی ایراد کرد و به این رژیم هشدار داد که در پی این اقدام تروریستی عملیات رزمندگان مقاومت اسلامی در جنوب لبنان ابعاد تازه‌ای به خود خواهد گرفت. حزب الله در پی شهادت سیدعباس موسوی برای اولین بار شهرک‌های صهیونیست‌نشین شمال فلسطین اشغالی را هدف موشک‌های کاتیوشا قرار داد.

سخنان سیدحسن نصرالله دبیر کل حزب الله
پس از شهادت سیدعباس موسوی

خون شهیدان کربلا در رگ‌های سیدعباس می جوشید...

را در آغوش دارند، از آغوش پیامبران به آغوش علی (ع) و به آغوش زهرا (س) و به آغوش حسن و حسین و سایر امامان معصوم جابجا می‌شوی. سپس امام خمینی (ره) و شهید صدر و شیخ راضی حرب و کاروان شهدای مقاومت اسلامی تو را در آغوش می‌گیرند. این جنایت وحشیانه بر سیاست نژادپرستانه و درنده‌خویی دشمن صهیونیستی گواهی می‌دهد، این جنایت را به سلسله جنایات زشت دشمن بر ضد مردم‌مان و روستاهای مان و شهرهای مان و ارزش‌های مقدس مان اضافه می‌کنیم. این جنایت گواهی جدید است بر همدستی و توطئه قدرت‌های استکباری با دشمن صهیونیستی. قدرت‌های بزرگ را مسئول این جنایت می‌دانیم. سیدعباس نماد همه مردان آزاده و شهیدان راه حق است، ام‌یاسر نماد زنان شهید است حسین نوزاد، نماد کودکان شهید است. این سه تن نماد همه خانواده‌هایی هستند که در کشورهای اسلامی با سرکوب و بی‌عدالتی دست و پنجه نرم می‌کنند و ما دولت امریکا، آقا بالا سر و مدافع امنیت اسرائیل را مسئول این جنایت خونین می‌دانیم. همه کشتارها، ویرانی‌ها و آوارگی‌ها که اسرائیل مرتکب آن می‌شود، مسئول اصلی آن امریکا است، همه می‌دانند اگر پشتیبانی غرب و امریکا در کار نبود، اسرائیل توان ادامه حیات در این منطقه را نداشت. دشمنان با ترور سیدعباس موسوی خواستند ما را بشکنند و شکست دهند، اراده مقاومت و جهادمان را بشکنند. من به آنان می‌گویم که خون سیدعباس همچنان در رگ‌هایمان می‌جوشد. اراده و عشق‌مان را برای تداوم این راه می‌افزاید. شهادت دبیرکل حزب الله نشانگر رشد و عظمت راه‌کار حزب الله در لبنان است و بیانگر میزان وفاداری و اخلاص مردمان به اهداف الهی است. نماد میزان حضور مردم در صحنه است. نشانگر سر آغاز تحول روحی، معنوی و جهاد بزرگی که قاتلان سیدعباس نیز انتظار آن را ندارند و پشتیبانی را نیز نمی‌کنند، اکنون که با شهیدان بزرگ و همسر و کودکان خداحافظی می‌کنیم، با روح پاک او و بسا امت و مردم مظلوم‌مان عهد می‌بندیم که راهش را ادامه خواهیم داد، چنانچه ما را تکه پاره کنند و بدترین کشتارها را در حق ما مرتکب شوند، هرگز از اصول ثابت‌مان عدول نخواهیم کرد.

از زمانی که باندهای تبهکار و تروریست صهیونیسم به سرزمین مقدس فلسطین یورش آوردند، کشتار کودکان و مردان و پاره کردن شکم مادران و تجاوز به ناموس مردم،

در دهه گذشته صدها تن از بهترین جوانان این جنبش به ویژه رهبرشان سیدعباس موسوی، در راه تحقق اهداف والای خود به شهادت رسیده‌اند. با گشایش عصر عملیات شهادت طلبانه، روح جهاد و ایثارگری را در امت برانگیخت. همگام و همراه با سایر رزمندگان شریف مقاومت، توانست شکست تاریخی را بر دشمن تحمیل کند. با تلفات انسانی و خسارت‌های مادی سنگینی که بر دشمن وارد آمد دشمن در سایه ضربات سهمگین مجاهدان به ناچار بدون قید و شرط از بخش‌های وسیعی از سرزمین‌های اشغالی جنوب لبنان عقب‌نشینی کرد. این عقب‌نشینی بر اثر فشارهای بین‌المللی که هرگز روزی اعمال نشده، صورت نگرفته است. همچنان که در نتیجه گفت‌وگوهای مستقیم دوران ریاست جمهوری امین جمیل نیز نبوده است. چه در نتیجه گفت‌وگوهای سازش، موافقت نامه خیانت باز ۱۷ مه سال ۱۹۸۳ را به ارمان داشته است.

سیدعباس موسوی برای کربلا زاده شده و حسین گونه همراه همسر و فرزندش به سوی کربلا شتافت. او با نثار خون سرخ خود گواهی داد که کربلای مسلمانان معاصر ادامه کربلای صدر اسلام است. او با شهادت سرخ نشانه‌های پیروزی شکوهمند را نوید داد...

این جنبش جهادگر هیچ روزی نسبت به سلامتی گزینه خود و درستی راه خود تردید نداشته است. اطمینان کامل دارد که روز هم گرای و پیوستن همه افراد امت به این گزینه منطقی نزدیک است. جنایت ترور شهید مجاهد سیدعباس موسوی و همسر مجاهد و دانشمندش شهید ام‌یاسر و شش ساله‌شان به فهرست جنایات و کشتارهای رژیم صهیونیستی افزوده شده است.

سرورم، لقاءالله را دوست داشتی و خداوند نیز تو را پذیرفت. زود هنگام از میان ما رفتی و به آرزوی خود رسیدی، هم نشینی با خدا و رسول خدا بر تو گوارا باد. احساس می‌کنم فرشتگان و عرشیان سرگرم استقبال از تو هستند. پیامبران تو

سیدعباس موسوی سید شهدای مقاومت اسلامی لبنان، برای کربلا تولد یافت، و در قلب او عشق حسین جوانه زد. خشم و خروش انقلابی در رگ‌های او می‌جوشید، اشک یتیمان و پاهای برهنگان و درماندگان در چشم او حلقه زد به امید پیروزی که با آمدن امام زمان تحقق می‌یابد چشم دوخت.

ابو یاسر نوازه رسول خدا بود، و برای مکتب اسلام گام برداشت. او از نسل بزرگ مردان پاک صفت و مادران پاک دامن بود. او عالمی زاهد، تلاشگری عابد، و انقلابی مجاهد و فقیری از خانواده مستمندان بود. جز مقداری ائاثیه و وسایل زندگی ساده و فرسوده، خانه و املاک و مستغلاتی از خود برجای نگذاشت. به گونه‌ای که برای ادای دین و بدهی‌های او کفایت نمی‌کرد. بسیار فروتن بود و درماندگان را دوست داشت، و با فقیران انس می‌گرفت، و به مجاهدان عشق می‌ورزید، و برای پیوستن به خیل شهیدان با اشتیاق لحظه شماری می‌کرد. خدمتگزار یتیمان و الیتام بخش مجروحان بود و همواره به آزادی اسیران و بازداشت شدگان می‌اندیشید و او پیشوایی پیشتاز و از رفاه طلبی گریزان بود و خود را شریک غم و اندوه و زندگی طاقت‌فرسای محرومان می‌دانست.

سیدعباس موسوی برای کربلا زاده شده و حسین گونه همراه همسر و فرزندش به سوی کربلا شتافت. او با نثار خون سرخ خود گواهی داد که کربلای مسلمانان معاصر ادامه کربلای صدر اسلام است. او با شهادت سرخ نشانه‌های پیروزی شکوهمند را نوید داد... به زخم خوردگان تاریخ، اراده‌ای خلل ناپذیر بخشید. به سرکوب شدگان، توان بخشید، تاج و تخت طاغوتیان را سرنگون کند. کربلا همواره این گونه بوده است. با شهادت بزرگ مردان، امتی بزرگ و سربلند ساخته می‌شود. با سوخته شدن پیکر جان بر کفان، ملت‌ها یک پارچه می‌شوند با او و ناله درد مندان امدها زنده می‌گردد. با اشک چشم افسردگان، کینه‌ها از دل‌ها شسته می‌شود و محبت و دوستی جایگزین می‌گردد. با یکپارچگی، بزرگ منشی و وحدت کلمه و امیدواری و تداوم جهاد، خون بر شمشیر پیروز می‌شود.

شهید بزرگوار ما دبیرکل یک جنبش جهادی و رهایی بخش بود که این جنبش به هدف آزادسازی سرزمین‌های اشغالی و رهایی انسان و جنگ با اشغالگران صهیونیست و تحقق صلح و آسایش برای مردم کشورمان در سال ۱۹۸۲ تأسیس شد. این جنبش هیچ وقت از کسی انتظار پاداش و قدردانی نداشت.

■ نجف اشرف، سید حسن نصرالله، علی خاتون و سید عباس موسوی



دل‌ها زنده کند تا طرح و راهکار مقاومت در برگیرنده همه فرزندان امت بشود، آن گاه امت قوی‌تر از اسرائیل و قوی‌تر از مدافعان اسرائیل جلوه گر می‌شود.

دشمن با جنایت زشت ترور سیدعباس موسوی خواست مقاومت را نابود کند، اما، به یاری خدای موعیت مردمی مقاومت بزرگ‌تر و گسترده‌تر شد. در وجدان بیدار امت رسوخ کرد. با این اقدام خواستند ما را تضعیف کنند، اما، خدا اراده کرد که ما قوی و نیرومند باشیم... سیدعباس و همسر و کودکان را کشتند، اما، به ما خاست خواستند از دست او رها شوند، اما، شهادت او مانند دوران حیات او بزرگ و درخشان بود من بر این باورم که شهادت سرورم و خانواده‌اش، قدرت و امکانات امت را برای قیام همگانی دو چندان کرد که تحقق این دستاورد هرگز با انبوه عملیات مقاومت امکان‌پذیر نبود. من در شهادت سیدعباس موسوی دور نمای پیروزی‌های بزرگی را پیش بینی می‌کنم، که برتر از شکستی است که دشمن برای مقاومت پیش بینی کرده است.

من به سران دشمن صهیونیستی که به تسویه حساب و ترور رهبران مقاومت تهدید کرده‌اند، هشدار می‌دهم که ما برای بازگشایی این گونه حساب‌ها آماده‌ایم، به یاری خداوند در این جنگ برنده خواهیم شد من به سران دشمن می‌گویم شما به افراد خوار و ذلیل درون جامعه‌مان نگاه نکنید، به رزمندگان قهرمان و شهادت جو بنگرید که با شما حساب باز می‌کنند و در این محاسبات به پیروزی می‌رسند.

در این مناسبت به ایران اسلامی و انقلابی می‌گویم. به سوریه مقاوم می‌گویم. به همه جنبش‌های اسلامی و ملی لبنان و فلسطین می‌گویم که حزب‌الله در سنگر جهاد و پایداری در کنار تان خواهد بود سستی و انعطاف نشان نخواهد داد زیرا، راهکارمان با خون‌مان تداوم می‌یابد. این راهکار ثابت و استوار است. این جنگ را با همراهی و همکاری یکدیگر به پایان می‌رسانیم. امکان دارد در این راه برخی به شهادت برسند ولی، طبیعی است که جنگ تلفاتی دارد اما، به یاری خداوند پیروز خواهیم شد با شما مردم مقاوم عهد می‌بندم که به مکتب، به امت، به جنوب، به قدس و به خون سیدعباس موسوی و ام‌یاسر و کودک خردسال‌شان حسین، وفادار خواهیم بود. با شما عهد می‌بندم که از میراث بزرگ و گران‌بهای شهید موسوی پاسداری خواهیم کرد.

به حوزه علمیه که شهید سیدعباس موسوی آن را تأسیس کرد. به مسجدی که نمازگزاران آن را امامت می‌کرد درود می‌فرستم و در چنین شرایطی دردناک لازم می‌دانم موضع خود را روشن کنم بی‌تردید ما هر لحظه و هر روز شهادت دبیرکل حزب‌الله را پیش‌بینی می‌کردیم. خود شهید نیز پیش‌بینی پیوستن به لقاءالله را داشت. همسرش ام‌یاسر نیز همیشه دعا می‌کرد که

است. رژیم که ماهیت تجاوزکارانه و فساد انگیز و میل به خونریزی دارد، امکان ندارد برای صلح گام بردارد. این رژیم برای جنگ‌های آینده آماده سازی می‌کند و برای زیر پا گذاشتن موافقتنامه‌ها و معاهدات بین‌المللی لحظه شماری می‌کند. ما با دشمنی روبه‌رو هستیم که همه پیمان‌ها و عهد و میثاق‌ها با خداوند و پیامبرش حضرت موسی (ع) را نقض کرده است.

اگر محافل جهانی به پایان یافتن جنگ و خشونت در منطقه علاقه‌مندند، به آنها می‌گویم که برای برقراری ثبات و امنیت در خاورمیانه تنها یک راه وجود دارد، و آن راه این است که یهودیان اشغالگر به سرزمین‌هایی بازگردند، که از آن آمده‌اند، و ملت فلسطین به سرزمین خود بازگردد، اما، راه چشم پوشی از یک قطعه زمین به منظور برقراری صلح پوچ، شیوه کارآمد نیست و دشمن را به ادامه تجاوزگری و اشغالگری تشویق می‌کند.

امروزه لبنان کشور پشتیبان کشورهای خط مقدم جبهه

**سیدعباس و همسر و کودکان را کشتند
اما، امت به پا خاست خواستند از دست او
رها شوند، اما، شهادت او مانند دوران حیات
او بزرگ و درخشان بود من بر این باورم
که شهادت سرورم و خانواده‌اش، قدرت
و امکانات امت را برای قیام همگانی دو
چندان کرد**

رویارویی اعراب با اسرائیل نیست، بلکه لبنان امروزه به سرزمین رویارویی بزرگ و مستقیم با دشمن تبدیل شده و بزرگ‌ترین حماسه‌های دلیر مردانه و بی‌نظیر را رقم می‌زند. منطقی که لبنانی‌ها را به آرام نشستن و عاقلانه رفتار کردن فرا می‌خواند، به این امید که جهان عرب حرکتی از خود نشان خواهد داد، از نظر ما پذیرفتنی نیست. برای همه روشن است که قتل و منطبق به ما می‌آموزد که مقاومت و جهاد را در کنار سوریه که همواره پشتیبان مقاومت لبنان و انتفاضه مردم فلسطین بوده ادامه دهیم. انتفاضه فلسطین برای همه ملت‌های منطقه و جهان عرب و جهان اسلام ثابت کرده است که امکان رویارویی و سازندگی پیروزی وجود دارد، بنابر این ضروری است که مقاومت لبنان و انتفاضه فلسطین عامل رستاخیز ملت‌های تحت ستم باشند. امیدواری و روحیه جهاد را در

آتش زدن خانه‌ها را آغاز نموده و با این اقدامات جنایت کارانه بخش اعظم صاحبان اصلی این سرزمین را به ناحق از میهن‌شان بیرون کردند، همه این اقدامات در برابر سمع و نظر و پشتیبانی قدرت‌های بزرگ جهان صورت گرفت. اسرائیل با تحمیل جنگ‌های متعدد بر ملت‌ها و کشورهای منطقه راه تجاوزگری را ادامه داده و امروز نیز با بمباران و تخریب بخشی از لبنان و آوارگی مردم جنوب، این تجاوزگری را ادامه می‌دهد. این تجاوزگری واکنشی به عملیات مقاومت مردم لبنان و انتفاضه فلسطین نیست، بلکه، از سیاست تجاوزگری در پرتو آوارگی ساکنان اصلی این سرزمین و چپاول منابع طبیعی و ثروت‌های منطقه ناشی می‌شود. به درستی که اسرائیل با حمایت و پشتیبانی امریکا و با سلاح امریکایی و تو قطعه‌های شورای امنیت امریکایی، اقدامات تروریستی سازمان یافته را ادامه می‌دهد. آنچه در این منطقه جریان دارد، به‌طور قاطع نشان می‌دهد که مصدر اصلی تروریسم دولتی و بین‌المللی در جهان، در درجه اول امریکا است و اسرائیل این رژیم ساختگی در درجه دوم قرار دارد.

آیا حق نداریم بپرسیم که محافل و مجامع بین‌المللی به چه عنوان قتل سربازان متجاوز و اشغالگر را اقدام تروریستی می‌خوانند اما، در برابر کشتار زنان و کودکان و غیر نظامیان لبنانی سکوت اختیار می‌کنند؟ آیا این نشانگر این است که این معیارها بر اساس خواسته‌ها و ملاک‌ها و منافع ابر قدرت‌ها وضع شده و نه بر اساس معیار ملت‌های مستضعف؟ صهیونیست‌ها، طرح‌ها و رویه‌هایی را تدارک دیده‌اند که هرگز در مراحل ضعف و پراکندگی از آن چشم پوشی نکرده‌اند. چگونه امروزه برخی افراد ساده لوح و فریب خورده گمان می‌کنند که صهیونیست‌ها در مرحله قدرت و فرو پاشی موازنه بین‌المللی قدرت، از رویاهای خود صرف نظر می‌کنند؟ اسرائیل فقط جنوب لبنان را تهدید نمی‌کند، بلکه تمامیت ارضی لبنان و سرتاسر جهان عرب و جهان اسلام را تهدید می‌کند، چشم داشت‌های اسرائیل حد و مرزی نمی‌شناسد، طرح یهودی کردن منطقه انکارناپذیر است. اسرائیل خطری است که مسلمانان و مسیحیان منطقه را تهدید می‌کند. لازم می‌دانم به برخی مسیحیان لبنان هشدار دهم که از امیدواری و شرط بندی برخی رهبران‌شان به اسرائیل عبرت بگیرند، همکاری برخی رهبران مسیحی لبنان با اسرائیل برای جامعه مسیحی لبنان فاجعه بار بوده است، چرا که دشمن فقط برای تحقق اهداف و طرح‌های خود حاضر به فداکاری است. هر گاه ماموریت مزدوران پایان یابد و نیازی به آنها نداشته باشد، آنها را به گوشه‌های پرتاب می‌کند.

ملت، دولت، احزاب، شخصیت‌ها و همه اقشار لبنان که دسته جمعی جنایت ترور سیدعباس موسوی و خانواده‌اش را محکوم کردند، وظیفه دارند به اتفاق آراء گزینه‌های اسرائیل و هرگونه همکاری با دشمن را رد کنند. مزدوران و جنایت کاران را که عامل تهدید جدی برای لبنان هستند از میان خود طرد کنند. شکی نیست که پشتیبانی ملت و دولت از طرح مقاومت، به آزاد سازی سرزمین‌های اشغالی و تحقق صلح و دوستی در لبنان عزیز منجر می‌گردد. چنین صلحی زمینه همزیستی داخلی و ثبات و پایداری لبنان را فراهم می‌کند. چنانچه افرادی بخواهند همکاری با دشمن را ادامه دهند، صلح و همزیستی مسالمت آمیز داخلی سست خواهد شد. بنا براین خودداری شهروندان از مزدوری برای اسرائیل و دستیابی به توافق پیرامون طرح آزاد سازی جنوب، و خودداری از توان گرفتن از امریکا و غرب بر ضد کشورهای عربی و اسلامی منطقه، مهم‌ترین شرط پایان جنگ داخلی لبنان است. چرا که ملت لبنان در این منطقه زندگی می‌کند و با ملت‌های عرب و مسلمان تاریخ مشترک و سرنوشت مشترک دارد. بنابراین، هرگاه برخی از لبنانی‌ها ارتباطشان را با امریکا و غرب قطع کردند، آن گاه می‌توانیم کشورمان را بر اساس همزیستی مشترک و با اراده مستقل مردم بسازیم.

موجودیت اسرائیل در قلب جهان عرب و جهان اسلام، مهم‌ترین عامل دامن زدن به جنگ و خشونت در منطقه

با او شهید شود. چرا که شهادت فرزند حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) و پاره شدن بدنش یک امر بدیهی است اما، مرگ سیدعباس در رختخواب هرگز زینده او نبود. هنگامی که راه مقاومت اسلامی را آغاز کردیم، تعدادمان بسیار اندک بود. برخی افراد ساده لوح این راه را خودکشی توصیف کردند ولی، ما آن را راه شهادت و پیروزی می دیدیم. امروز درگیر جنگ روحی و معنوی با دشمن هستیم. دشمنی که گمان می کند با ترور رهبران و علمای شجاعمان می تواند مسیر جهاد را در لبنان از بین ببرد. ولی، این شیوه تروریستی هیچگاه خللی در اراده حزب الله وارد نمی کند. چرا که ما از روز عاشورا گفته ایم: کشته شدن برایمان عادت است و کرامت ما نزد خدا شهادت است.

هر چند که شهادت سیدعباس موسوی تقدیر الهی است اما، سید را در میان خود همچنان زنده می دانیم. با شهادت او هرگز به سازش تن نمی دهیم. هرگز در مسیری که انتخاب کرده ایم، تجدید نظر نمی کنیم. ذلت و خواری را نمی پذیریم. چرا که با عقب نشینی شکست می خوریم. هنگامی که سیدعباس به شهادت می رسد و خون او در رگهایمان به جوش می آید، کشته شدن او به پیروزی تبدیل می شود. عزم ما برای ادامه راه او راسخ تر می گردد. به خدای آفریدگار اطمینان داشته باشید که او حافظ و یاری رسان این امت است. من نمی خواهم از تاریخ سخن بگویم ولی، همین دیروز بود که امام خمینی رحلت کرد ولی، رحلت او برای ما انقلاب جدیدی به وجود آورد.

امروز حزب الله دوباره بر انگیزه می شود. روز قیام مقاومت اسلامی است. روز فداکاری و وفاداری به خون سیدعباس و همه شهدا است. باید روش هایی را که از جاهلیت به ارث برده ایم کنار بگذاریم. وفاداری در این است که برادران مقاوم و رزمندگان مقاومت را در این شرایط سخت که در پایگاهها و سنگرهای جنوب مستقر هستند پشتیبانی کنیم. ما انتقام نمی گیریم و انتقام در منطق ما جایی ندارد. نبرد ما با اسرائیل نبرد زندگی و مرگ است. مبارزه با این رژیم را ادامه خواهیم داد. خواه سیدعباس را ترور کنند یا نکنند، اسرائیل غده سرطانی است که باید با آن بجنگیم و آن را از عالم وجود محو کنیم اگر همه ما شهید شویم و حتی، اگر خانه هایمان را روی سرمان خراب کنند، هیچگاه از گزینه مقاومت اسلامی دست نخواهیم کشید. به شما اطمینان می دهم که آینده از آن مقاومت اسلامی است و نه مذاکرات سازش. امروز همچنان در دوره اسلام و مقاومت زندگی می کنیم، آن گونه که امام خامنه ای به خواست خدا این دوره را دوره امام خمینی (ره) نام نهاده است نه دوره آمریکا ما با امام زمان (عج) و امام خمینی (ره) و دبیرکل شهیدمان پیمان می بندیم درس آنان را پی خواهیم گرفت و اسرائیل خواهد فهمید که با اقدام خود در ترور سیدعباس موسوی بزرگترین حماقت تاریخی را مرتکب شده است.

امریکا، شیطان بزرگ، همواره دشمن اصلی امت ماست. اسرائیل غده سرطانی است که باید ریشه کن شود. این رژیم ساختگی باید ریشه کن شود، هر چند که همه دولت های جهان آن را به رسمیت بشناسند ولی امر مسلمین آیت الله خامنه ای همچنان امام و پیشوا و سرور و الگوی ما در جهاد و اراده و عزم و مقاومت خواهد بود. اسلام ناب محمدی، دین ما و مصدر اندیشه ما و راهنمای ما باقی خواهد بود. به آن افتخار می کنیم و در راه آن جهاد می کنیم. مردم را به آن فرا می خوانیم. مقاومت اسلامی، تنها گزینه و راهکار همیشگی ما باقی خواهد بود و هرگز از آن صرف نظر نخواهیم کرد.

اگر همه جهانیان تسلیم شوند، ما نبرد با دشمن صهیونیستی را ادامه خواهیم داد. شهید بزرگ ما که به مردم مظلوم لبنان عشق می ورزید همواره در وجدان و روح ما زنده و جاویدان است... برای عزت و آزادی و سربلندی ملت لبنان و تحقق اراده مستقل و رفیع بی عدالتی و محرومیت زدایی و تحقق امنیت و صلح واقعی برای ملت تلاش و فداکاری خواهیم کرد. قدس عزیز همواره در ذهنان و اهدافمان زنده خواهد بود. برای

و توای سید شهدای مقاومت، همچنان در میان ما زنده خواهی بود. من سخن تو را تکرار می کنم و به صهیونیست ها می گویم: از سرزمین ما بیرون بروید. جای شما میان ما نیست. با شما صلح و سازش نخواهیم کرد. هیچ زبانی با شما کار ساز نیست جز زبان گلوله

تحقق رؤیای آزادی قدس حد و مرزی نمی شناسیم، آزادی سرتاسر فلسطین و بدون چشم پوشی از یک وجب خاک آن در دستور کار ما باقی خواهد بود. جنبش جهاد فلسطین و مقاومت اسلامی لبنان همچنان دستان همه افراد مخلص را که نسبت به ابعاد و اهداف دشمن شناخت دارند می فشرند.

و توای سید شهدای مقاومت، همچنان در میان ما زنده خواهی بود. من سخن تو را تکرار می کنم و به صهیونیست ها می گویم: از سرزمین ما بیرون بروید. جای شما میان ما نیست. با شما صلح و سازش نخواهیم کرد. هیچ زبانی با شما کار ساز نیست جز زبان گلوله در سرزمین خویش باقی خواهیم ماند و شما ریشه کن خواهید شد. عصر حاضر عصر امریکا نیست، عصر پیروزی مستضعفان بر مستکبران است، عصر اسلام و عصر خمینی (ره) است.

توای موسوی شهید چه با شکوه جهاد کردی و چه با شکوه شهید شدی. حجت را برای مجاهدان تمام کردی. مگر امام ما، خمینی مقدس درباره مسیر پر رهرو شهادت، چنین نگفته است: جهاد حزب الله حجت است بر علمای جهان! و تو فرمانده و آموزگار و الهام بخش این جوانان جهاد گر هستی. تو هم نشین دل آنها هستی. تو آن عالم دانا هستی که مسئولیت ابلاغ رسالت را بر دوش داشتی. نسل عالمان مبارز و متعهد در حوزه های علمیه به دست تو ساخته شده اند. هر گاه به مسجد شهر و روستا، محله های فقیر نشین و محورهای جنگ با اشغالگران قدم گذاشتی با نفس پاک خویش آیات کلام الله مجید را تلاوت کردی. هر سخنی که از روح و جان تو جاری می شد، بی درنگ مانند نور درخشان در درون مردم تشنه حقیقت می نشست.

تو استاد آموزگار، آرام بخش دل دردمندان، فرمانده جهادگران، راهنمای رزمندگان، نشانه راه. و آن بزرگ مردی هستی که اسلام و امت را در قلب خود جایگزین کردی. از بقاع تا جنوب بر وفاداری مردم بقیع به علما و شهدا و مجاهدان و سایر مردم پاک این منطقه و میزان حضور آنان در این نبرد



مقدس گواه بودی. وجود تو از لبنان به همه جبهه های حق در ایران، افغانستان، پاکستان، کشمیر و عراق فراتر رفت. هنگامی که خون پاک تو را بر زمین ریختند، مردم لبنان و فلسطین و همه فرزندان امت گریستند، شهادت با عظمت تو بر اراده و شکوه زندگی و ارزش های امت گواهی داد. این شهادت در مرحله حساس و دقیقی اتفاق افتاد که امت به یک مرد الهام بخش نیاز داشت. خون تو به امت انگیزه داد تا راهش را ادامه دهد. امروزه در جهان جنگ و رقابت میان اراده ها حاکم است، در این جنگ کسی به پیروزی می رسد که از اراده قوی و عزمی راسخ برخوردار باشد. فرو پاشی اتحاد جماهیر شوروی، نتیجه طبیعی و حتمی نظام هایی است که ملت ها را سرکوب می کردند، امکان ندارد نظام های الحاد می تداوم یابند، خلق های جهان از نظر غریزی به آزادی و صلح و حق و عدالت گرایش دارند. اما قدرت های استکباری و طغیانگر که آزادی های اجتماعی را مصادره می کنند، و ملت های جهان را به بند می کشند، هر اندازه قوی باشند بی تردید روزی سقوط خواهند کرد.

بر اساس این دیدگاه اعلام می کنم که سرنوشت حتمی ملت ها پیروزی است. سلطه جویی و غارتگری در حال فروپاشی است. این فرو پاشی به تدریج آغاز شده است. عقل و منطق و قانون و سنت های الهی و تاریخ نشان می دهند که امریکا متلاش می خواهد شد. روز سقوط همه مزدوران و بیگانگان که بر این امت تحمیل شده اند نزدیک است. اگر ضعف و در ماندگی نظام های حاکم منطقه در برابر امریکا و اسرائیل غاصب را نادیده بگیریم، بی تردید ملاحظه خواهیم کرد که به پیروزی نزدیکتر شده ایم. تا چند سال پیش ایران ژاندارم خلیج فارس، پایگاه غرب در منطقه و پشتیبان اسرائیل غاصب بود. ولی، امروزه به سنگر اسلام و ام القری و قلب تپنده جهان اسلام و پناهگاه انقلابیون و مجاهدان جهان تبدیل شده است. امروزه افغانستان در پی سال های طولانی جهاد، دور نمای پیروزی نهایی را ترسیم می کند.

امروزه ملت های جهان اسلام بیدار شده و اراده مستقل شان را به دست گرفته اند. هم اینک مسجد الاقصی، در روز جهانی قدس دویست هزار نمازگزار را در آغوش می گیرد. هنوز بخش وسیعی از فرزندان امت عرب بر لزوم ادامه رویارویی با اشغالگران غاصب و قدرت های استکباری موضع ثابت و استوار دارند. ذلت و سازش را رد می کنند. با توجه به عوامل یاد شده برای رویارویی با اقدامات تروریستی امریکای مستکبر که از اسرائیل غاصب پشتیبانی می کند، همچنان به مقاومت و پایداری امت عزیزمان چشم امید دوخته ایم، به امریکای جهانخوار اجازه گسترش سلطه اش بر منطقه و غارت ثروت های آن یا بهره برداری و قیحانه از محافل و مجامع بین المللی را نخواهیم داد. متأسفانه سازمان های بین المللی به ابزار اجرایی خواسته های امریکا تبدیل شده، و با یک چشم به رویدادهای منطقه نگاه می کنند. با وجود اینکه این سازمان ها از جنایات روزانه صهیونیست های غاصب در فلسطین اشغالی و لبنان چشم پوشی می کنند، در عین حال به منظور سرکوب و خوار نمودن امت به بهانه های واهی یک سری قطعنامه صادر می کنند.

گزینه مقاومت، که سید شهدای رزمندگان مقاومت آن را تجلی بخشیده است، تنها گزینه ای است که ما را به تحقق اهداف و دستیابی به حقوق مشروعمان رهنمون می سازد. گزینه مقاومت، چهره زشت دشمن غاصب که موجودیت امت و کیان مان را تهدید می کند آشکار ساخته است، این گزینه تلاش های امریکا و اسرائیل غاصب را برای تحمیل سازش ذلت بار ناکام می سازد. تداوم مقاومت، بر چشم پوشی از زمین و عزت انسانی خط بطلان می کشد. گزینه مقاومت، تنها مانع بازدارنده در برابر سیاست های فزونخواهانه دشمن و رویاهای عادی سازی هرگونه روابط با این دشمن است. مقاومت به منظور باز پس گیری سرزمین های مقدس و فرسایش دشمن و بیداری امت تنها گزینه است، حال زمان هر اندازه طولانی شود. ■